

# ۹ کاندیدای رقیب و فرضیه ریزش آرای خاتمی

ترکیب کاندیداها، سابقه و شخصیت اجتماعی، مدیریتی و سیاسی ایشان، این نظریه را که حضور آنها در انتخابات سبب ریزش مقدار قابل توجهی از آرای آقای خاتمی خواهد شد، جدی کرده است

حجت الاسلام اکبر هاشمی بهرمانی (رفسنجانی) و عباس شیبانی ششمین انتخابات (بیست و یکم خرداد ماه ۱۳۷۲): حجت الاسلام اکبر هاشمی بهرمانی (رفسنجانی)، احمد توکلی، عبدالله جاسبی و رجبعلی طاهری هفتمین انتخابات (دوم خرداد ماه ۷۶): حجت الاسلام سید محمد خاتمی، حجت



احمد توکلی:  
در رقابت با  
هاشمی رفسنجانی در  
انتخابات ریاست  
جمهوری ۴ میلیون  
و دوپست هزار  
رای آورد

حسن حبیبی، داریوش فروهر، صادق طباطبایی، کاظم سامی، قطب زاده و عده‌ای دیگر که از بین آنها ابوالحسن بنی صدر انتخاب شد. پس از عزل بنی صدر، برای گزینش دومین رئیس جمهور (تاریخ برگزاری انتخابات دوم مرداد ماه ۱۳۶۰) چهار نامزد اصلی و تأیید شده عبارت بودند از: [شهید] محمد علی رجایی، عباس شیبانی، اکبر پرورش و حبیب الله عسکراولادی مسلمان، که برنده انتخابات محمد علی رجایی بود.

پس از حادثه بمب گذاری در نخست وزیری، به فاصله ۵ ماه پس از دومین انتخابات ریاست جمهوری، سومین انتخابات برگزار شد و برای اولین بار یک روحانی (آیت الله سید علی خامنه‌ای) در کنار سه غیرروحانی (اکبر پرورش، حسن غفوری فرد و سیدرضا زواره‌ای) به میدان رقابت آمد و برنده نیز شد. از آن پس و حتی بعد از تغییر قانون اساسی و حذف پست نخست وزیری، تاکنون پست ریاست جمهوری همواره در اختیار یک روحانی بوده است. از همان دوره، ترکیب نامزدهای تأیید صلاحیت شده به گونه‌ای بوده که همواره قیل از انتخابات مشخص بود که یک روحانی برگزیده خواهد شد. ترکیب نامزدها در انتخابات بعدی از این قرار بوده است:

چهارمین انتخابات (بیست و پنجم مرداد ماه ۱۳۶۴): آیت الله سید علی خامنه‌ای، سید محمود کاشانی و حبیب الله عسکراولادی مسلمان پنجمین انتخابات (ششم مرداد ماه ۱۳۶۸):

انتخاب نهایی شورای نگهبان در زمینه تأیید صلاحیت نامزدهای هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، پرسش معناداری را در برخی محافل سیاسی و نیز در ذهن ناظران و تحلیل گران، مطرح کرد. آن پرسش این است:

چرا برخلاف عرف حاکم بر نحوه تأیید صلاحیت نامزدهای احراز پست ریاست جمهوری

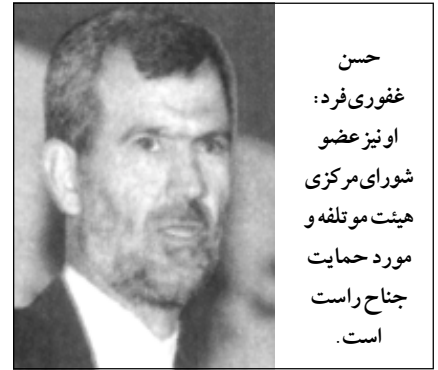
عبدالله جاسبی:  
او با برخورداری از  
امکانات گسترده،  
عضو شورای  
مرکزی هیئت  
موتلفه است و  
حمایت جناح  
راست راهم  
پشتوانه دارد



در چند دوره اخیر، در این دوره هشت غیرروحانی و فقط دو روحانی تأیید صلاحیت شدند؟ برای روشن شدن موضوع، به ترکیب نامزدها در هفت انتخابات گذشته ریاست جمهوری نظر می افکنیم.

در دور اول و دوم، هیچ روحانی کاندیدای ریاست جمهوری نبود. در دور اول (تاریخ برگزاری انتخابات پنجم اسفند ماه ۱۳۵۸) شاخص ترین چهره‌هایی که نامزد شدند، این افراد بودند: ابوالحسن بنی صدر، دریدار احمد مدنی،

الاسلام علی اکبرناطق نوری، حجت الاسلام ری شهری و سید رضا زواره‌ای با این سوابق و با توجه به ترکیب نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری گذشته، آیا تأیید صلاحیت ۸ غیرروحانی در مقابل دو روحانی در این دوره، نمی تواند به عنوان یک نقطه عطف، یا اجرای برنامه‌ای حساب شده برای پروتق کردن انتخابات، یا زمینه سازی برای انتقال ریاست قوه مجریه به افراد غیرروحانی در آینده و یا برنامه‌ای برای رسیدن هم زمان به دو هدف دیگر، یعنی: ۱-



حسن  
غفوری فرد؛  
اونیز عضو  
شورای مرکزی  
هیئت مؤتلفه و  
مورد حمایت  
جناح راست  
است.

برگزاری یک انتخابات با تعداد رأی دهنده بالا و ۲- در عین حال، ریزش آرای سید محمد خاتمی، تلقی شود؟

برای رسیدن به یک نتیجه گیری نسبی، موضوع را باید از چند زاویه بررسی کرد.

نخستین مبحث، نقش جناح راست در این انتخابات است. در ظاهر امر این جناح کاندیدای مشخصی را معرفی نکرده است. اما اگر به ترکیب نامزدها بنگریم، متوجه می شویم حداقل چهار نفر از نامزدها گرچه به عنوان نامزد مستقل ثبت نام کرده اند، اما از بزرگان جناح راست و یا برخوردار از حمایت این جناح هستند. این چهار نفر عبارتند از: ۱- آقای احمد توکلی ۲- آقای عبدالله جاسبی (که از افراد مؤثر مؤتلفه نیز بوده است) ۳- آقای حسن غفوری فرد ۴- حجت الاسلام علی فلاحیان. اگر از دریچه نگاه برنامه ریزان جنبه دوم خرداد به قضایا بنگریم و امور را بی طرفانه و واقع بینانه مورد ارزیابی قرار دهیم، ناگزیر اذعان خواهیم کرد که جناح راست طرفداران خاص خود و امکانات قابل توجهی دارد. همین طرفداران و امکانات موجب می شود چهار نفر فوق الذکر، بخشی از آرای رأی دهندگان را به خود اختصاص دهند که این وضع به معنای ریزش بخشی از آرای آقای سید محمد خاتمی است.

گفتنی است که از بین این چهار تن، آقای عبدالله جاسبی، که در انتخابات ششم یک و نیم میلیون رأی کسب کرده بود، امکانات بالقوه بیشتری را در اختیار دارد که قسمتی از آن را در گسترده‌گی برنامه پرهزینه تبلیغاتی وی مشاهده کردیم.

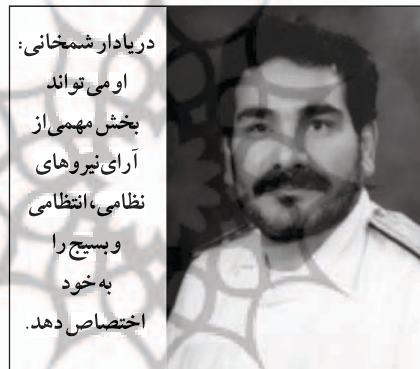
آقای احمد توکلی هم که در انتخابات ششم، رقیب اصلی آقای هاشمی رفسنجانی بود، توانست رأی قابل ملاحظه‌ای کسب کند (با چهار میلیون و دو بیست هزار رأی در مقابل ده و نیم میلیون رأی

آقای هاشمی رفسنجانی)

آقای حسن غفوری فرد نیز به دلیل سوابق ممتد اجرایی از یک سو و نفوذ در برخی محافل سیاسی (مثل جامعه اسلامی مهندسين) رأی درخور اعتنایی کسب خواهد کرد. در مورد حجت الاسلام فلاحیان نمی توان داوری کرد، زیرا مشخص نیست وی غیر از امید به حمایت غیر علنی جناح راست، با حمایت و پشتوانه کدام گروه های سیاسی وارد عرصه رقابت شده است. لذا در این مرحله، ما آرای وی را در ریزش آرای آقای سید محمد خاتمی چندان مؤثر ارزیابی نمی کنیم.

سه فرد دیگر از غیر روحانیون هستند که می توان حضور آنها را در ریزش آرای آقای سید محمد خاتمی مؤثر ارزیابی کرد. به این شرح و با این مشخصات:

۱- دریا دار علی شمخانی: در انتخابات دوره



دریادار شمخانی:  
اومی تواند  
بخش مهمی از  
آرای نیروهای  
نظامی، انتظامی  
و بسیج را  
به خود  
اختصاص دهد.

هفتم افراد عضو در نیروهای نظامی با سرگردانی در تصمیم گیری برای رأی دادن به آقای خاتمی یا آقای ناطق نوری مواجه بودند. سرانجام و با موضوعی که اتخاذ شد، اکثریت این افراد به آقای سید محمد خاتمی رأی دادند. می توان نتیجه گرفت نامزدی دریادار شمخانی در این دوره سبب ریزش قسمتی از آرای آقای خاتمی در بین این گروه از رأی دهندگان خواهد شد.

۲- سید مصطفی هاشمی طباطبائی: وی ریاست سازمان تربیت بدنی را بر عهده دارد و لذا حداقل از حمایت بخشی از جامعه ورزشی کشور برخوردار است. جز این، وی با کارگزاران سازندگی نیز میانه گیری دارد و روی حمایت بدنه‌ای از این گروه سیاسی حساب می کند. برخی افراد حتی سپردن ریاست باشگاه پرسپولیس به آقای علی پروین را اقدامی برای جلب آرای طرفداران این باشگاه به

سود آقای هاشمی طباطبائی کرده اند.

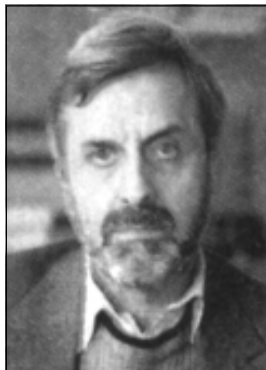
۳- سید محمود کاشانی (پسر مرحوم آیت الله کاشانی): وی موضعی مستقل از سه جناح سیاسی عمده کشور (چپ، راست و کارگزاران) دارد. نقدهای علمی وی از برنامه دولت های گذشته و کاستی های موجود، عده ای از دانشگاهیان و افراد مستقل [رأی دهندگان مستقل] را طرفدار وی کرده است. جالب است بدانیم در دوره چهارم که آقای حبیب الله عسکر اولادی فقط ۲۸۲ هزار رأی کسب کرد، وی یک میلیون و سیصد و نود رأی آورده بود.

### دیدگاه های دیگر

با توضیحاتی که داده شد، اگر ترکیب نامزدهای تأیید صلاحیت شده از طرف شورای نگهبان را در کاهش میزان آرای خاتمی ارزیابی کنیم، متوجه می شویم وی دست کم با ۷ فرد به عنوان رقبایی جدی، مواجه است. این بدان معنا نیست که آقای خاتمی رأی کافی نخواهد آورد. اما نکته در خور اعتنا این است که برخی محافل معتقدند برنامه ای ماهرانه چیده شده که آرای آقای خاتمی نسبت به انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ ریزش قابل توجهی داشته باشد.

گروهی دیگر از کارشناسان به یک اصل روانشناسی اجتماعی اشاره دارند و می گویند: در خرداد ۱۳۷۶ مردم بیش از دو گزینه پیش رو نداشتند. این دو گزینه را می توان "چپ" در برابر "راست"، یا چنانکه تبلیغات انتخاباتی آن دوران ترسیم کرده بود، "سیاه" در برابر "سفید" یا لبخند و رأفت در مقابل "خشونت و تحکم" نامید، اما در این دوره، گزینه های دیگری هم وجود دارد که نه سیاه است و نه سفید. دست کم گروهی از مردم حق گزینش خاکستری را هم دارند.

چند موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار



سید مصطفی  
هاشمی طباطبائی:  
حضور او برای  
جلب آرای  
جامعه ورزشی  
کشور است.



درصد متوسط، ۲۵ درصد ضعیف، ۸ و ۳ دهم درصد بد.

### ■ عملکرد دولت آقای خاتمی در زمینه مسایل اقتصادی را چگونه ارزیابی می کنید؟

۵ و ۵۵ صدم درصد خوب، ۴۵ و ۸۳ صدم درصد متوسط ۳۰ و ۵۵ صدم درصد ضعیف، ۱۹ و ۴۴ صدم درصد ضعیف.

### ■ عملکرد دولت آقای خاتمی را در زمینه گشایش فضای فرهنگی چگونه ارزیابی می کنید؟

۲۹ و ۲۶ صدم درصد خوب، ۳۸ و ۸ دهم درصد خوب، ۲۵ درصد ضعیف، ۸ و ۳ دهم درصد ضعیف.

■ عملکرد دولت آقای خاتمی را در مورد حادثه کوی دانشگاه چگونه ارزیابی می کنید؟

۱۱ و ۱۱ صدم درصد خوب، ۱۸ و ۵ صدم درصد متوسط، ۳۴ و ۷۲ صدم درصد ضعیف، ۳۴ و ۷۲ صدم درصد بد.

### فرضیه دقیقه ۹۰

این آمارگیری ها زمانی انجام شد که هنوز تبلیغات انتخاباتی کاندیداها آغاز نشده بود. با شروع این تبلیغات داوری ها کمابیش دستخوش تغییر شد. کما این که وقتی روز دوشنبه ۷ خرداد آقای خاتمی در استادبوم شهید شیرودی سخنرانی کرد، برخی کسانی که نسبت به عملکرد دولت ایشان قضاوتی منفی و انتقادی داشتند، در دیدگاه های خود تجدید نظر کردند.

این امکان هست در ۱۱ روز باقی مانده همین ها هم از زیر تأثیر آن سخنرانی بیرون آیند و نظرگاه های قبلی خود را داشته باشند و البته ممکن است کسان بیشتری در مورد عملکرد دولت آقای خاتمی به دیدگاه های منفی برسند. معروف است که ملت ایران در مسایل سیاسی در دقیقه ۹۰ تصمیم می گیرد. بنابراین قضاوت قطعی زودرس در زمینه انتخابات آتی، دور از منطق است. خیلی از امور مرتبط با این انتخابات هنوز مجهول است، اما یک امر واضح و غیرقابل انکار است: همه گروه های سیاسی در یک زمینه نظر و خط مشی واحدی دارند و آن، حضور گسترده مردم در انتخابات است، زیرا همه آنها می دانند نتیجه این انتخابات وعده شرکت کنندگان در آن، در تعیین جایگاه جهانی نظام تأثیری غیرقابل انکار دارد.

حاصل از اخذ رأی در کل کشور، تفاوت های اساسی با داده های این نظر سنجی ها داشته باشد، بسیار محتمل است. دلیل نیز این است که باورها، تمایلات، خواسته ها و داوری های مردم مناطق مختلف کشور با یکدیگر متفاوت است.

### و اما در مورد نظر سنجی "گزارش":

این نظر سنجی شامل ۸ پرسش و عده پرسش شوندگان و جامعه آماری مورد مطالعه نیز کمابیش مشابه مؤسسه ملی پژوهش افکار عمومی بوده است. پرسش ها و داده های نظر سنجی "گزارش" به شرح زیر است:

### ■ آیا در انتخابات آتی شرکت می کنید و به آقای خاتمی رأی می دهید؟

## نتیجه نظر سنجی های

### متفاوت، تعداد

### آرای آقای خاتمی

را از ۱۷ تا ۲۳

میلیون رأی

پیش بینی

کرده است

۴۱ و شش دهم درصد آری، ۲۲ و هشت دهم درصد هنوز تصمیم نگرفته ام، ۳۵ و شش دهم درصد در انتخابات شرکت نمی کنم.

### ■ از نظر شما، محبوبیت آقای خاتمی نسبت به خرداد ۱۳۷۶ در چه وضعیتی است؟

۲۲ و ۲ دهم درصد تغییر نکرده، ۱۹ و چهارم دهم درصد افزایش یافته، ۵۱ و ۳ دهم درصد کاهش یافته، ۶ و ۹۴ صدم نظری ندارم.

### ■ آقای خاتمی با چه میزان رأی شانس انتخاب مجدد دارد؟

۳۳ و ۳ دهم درصد بار رأی بالا، ۲۵ درصد بار رأی متوسط، ۲۶ و ۲۸ صدم درصد بار رأی ضعیف، ۱۵ و ۲۷ صدم درصد نمی دانم.

### ■ عملکرد دولت آقای خاتمی را در گشایش فضای سیاسی چگونه ارزیابی می کنید؟

۲۹ و ۱۶ دهم درصد خوب، ۳۸ و ۸۸ صدم

با کاندیداتوری آقای خاتمی، ۵۷ و ۶ دهم درصد کل افراد نمونه به ایشان قطعاً رأی می دهند، ۱۰ و هفت دهم درصد به ایشان رأی نمی دهند، ۱۷ و چهارم دهم درصد نیز رأی خود را منوط به مشخص شدن سایر کاندیداها می دانند.

■ ۳۷ و نه دهم درصد افرادی که در خرداد ۷۶ واجد شرایط رأی دادن نبودند، در انتخابات آینده به آقای خاتمی رأی می دهند.

■ ۵۳ و ۲ دهم درصد کل پاسخگویان بهترین فرد برای ریاست جمهوری خرداد ۸۰ را آقای خاتمی می دانند.

■ به عقیده ۳۰ و نه دهم درصد کل پاسخگویان، بیشترین مانع بر سر راه رییس جمهور برای انجام وظایفش از سوی "شخصیت ها و نهادهای رسمی نظام" ایجاد شده است.

■ ۶۲ و هفت دهم درصد کل پاسخگویان معتقدند آقای خاتمی برای تحقق خواسته های مردم از اختیارات کافی برخوردار نبوده اند.

ماسه فرض را در رابطه با نتیجه این نظر سنجی و با در نظر گرفتن سه عدد در رابطه با عده شرکت کنندگان در انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ مطرح می کنیم:

اگر عده شرکت کنندگان در انتخابات را ۳۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، عده ۵۷ و شش دهم درصدی ذکر شده در نظر سنجی فوق الذکر که به آقای خاتمی رأی خواهند داد ۱۷ میلیون و ۲۸۰ هزار نفر خواهد بود.

اگر عده شرکت کنندگان در انتخابات را ۳۵ میلیون نفر در نظر بگیریم عده رأی دهندگان به آقای خاتمی ۲۰ میلیون و ۱۶۰ هزار نفر خواهد بود و اگر عده شرکت کنندگان را ۴۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، عده رأی دهندگان به آقای خاتمی ۲۳ میلیون و ۴۰ هزار نفر خواهد بود.

طبیعی است اگر عده شرکت کنندگان در انتخابات کمتر از ۳۰ میلیون نفر باشد، آرای آقای خاتمی (برحسب نظر سنجی مورد بحث) باز هم از ۱۷ و چهارم دهم میلیون کمتر خواهد بود.

اشکال اساسی نظر سنجی مورد بحث (و همچنین نظر سنجی انجام شده به وسیله "گزارش") در این است که فقط بخشی از جامعه ایران، یعنی مناطق بیست گانه تهران (و نه حتی تهران بزرگ) را تحت پوشش قرار داده است، لذا این امکان که نتایج